

روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات عربی

روز دوشنبه ۲۵ شهریور ماه ۱۳۹۲، نشست با حضور جناب آقای علیرضا بیگدلی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در ترکیه با موضوع "روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات عربی" در پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه برگزار شد. در این نشست پژوهشگران مقیم و مهمان پژوهشکده و جمع کثیری از دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد دانشگاه‌های مختلف حضور داشتند. محور سخنرانی آقای سفیر درخصوص روابط ایران و ترکیه، سیاست‌های ترکیه در خاورمیانه به ویژه بحران سوریه و نگاه ترکیه به غرب و آمریکا بود. دکتر کیهان برزگر رئیس پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه نیز مدیریت این نشست را برعهده داشت. گزارش کامل این نشست در ادامه می‌آید.

دکتر کیهان برزگر: به نام خدا. سلام. بعدازظهر شما بخیر دوستان! فرصت بسیار خوبی است که جناب آقای بیگدلی، سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران در ترکیه، موافقت کرده‌اند که امروز ما در خدمت ایشان باشیم. ایشان چند روزی است که به ایران آمده‌اند و حضور ایشان در این مرکز با توجه به وقت کمی که دارند به این معناست که این مرکز را دوست دارند. به هرحال بسیار ممنونم. آقای سفیر موافقت کرده‌اند که جلسه ما به صورت فرمت سؤال و جواب باشد. یعنی آقای بیگدلی چند نکته‌ای را مطرح می‌کنند، پس از آن من سؤالاتی را می‌پرسم که به نظر من کانون سؤالات شما است. بعد از آن شما می‌توانید سؤالات و دیدگاه‌های خود را مطرح کنید. چون فرمت جلسات ما دانشگاهی است مطمئناً فرصت خوبی است که امروز در خدمت ایشان هستیم.

در ابتدا، بیوگرافی بسیار مختصری از آقای بیگدلی را خدمت شما عرض می‌کنم. ایشان قبل از اینکه به عنوان سفیر ما در ترکیه منصوب شوند، معاون پژوهشی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، دستیار طرح و برنامه، معاون خاورمیانه و مشترک المنافع (۱۳۸۹-۱۳۹۱)، سفیر ما در قبرس، معاون مدیر کل و رئیس ستاد افغانستان، معاون مدیر کل اسناد و خدمات پژوهشی، رئیس اداره امور مشترک المنافع، سفیر جمهوری اسلامی ایران در آذربایجان و ... بودند. با گفتن این موارد فقط قصد داشتم عرض کنم که ایشان مثل خود ما دانشگاهی و پژوهشی هستند.

موضوعی که امروز بحث خواهیم کرد، درباره ترکیه است. موضوع ترکیه همچنان موضوع جالبی است که دلایل متعددی دارد؛ ترکیه یک کشور همسایه است. بسیاری از ما به ترکیه مسافرت می‌کنیم و ترکیه دارد یک

بازیگر منطقه ای می شود. دلیل اصلی که برای ما بسیار مهم است و موضوع بسیاری از رساله های دانشگاهی است، در واقع نقش آفرینی سال های اخیر ترکیه در مسائل منطقه و خاورمیانه است. دامنه این نقش ها برخی اوقات با نقش جمهوری اسلامی ایران در تضاد است؛ مانند بحران سوریه. برخی اوقات نیز مکمل نقش ایران می شود و تبدیل به فرصت سازی می شود؛ مانند بیانیه تهران که ترکیه به نفع ایران و برنامه هسته ای ایران موضع گیری کرد که به نظر من موضع گیری بجا و به موقعی بود. بنابراین، ما واقعا می خواهیم بدانیم که مرزهای روابط ایران و ترکیه باید کجا باشد و آقای بیگدلی جزء بهترین افرادی هستند که درباره این مسائل می توانند توضیح دهند.

به هر حال، همان طور که من خدمت آقای سفیر نیز عرض کردم، جغرافیا عاملی است که ایران و ترکیه را به یک سرنوشت مشترک وصل می کند. البته متغیر تحولات منطقه ای گاهی اوقات سیاست خارجی ما را دچار تغییر و تحول می کند؛ مانند بحران سوریه. اما در اینجا، در چندین جلسه خدمت شما بیان کرده ام که ایران و ترکیه صدها دلیل دارند که با یکدیگر همکاری کنند و چند دلیل دارند که با یکدیگر همکاری نکنند. این عدم همکاری شاید به دلیل حضور بازیگران خارجی باشد. به عنوان مثال، نقشی که ترکیه می خواهد در چارچوب نهادهای غربی مانند ناتو ایفا کند، وجود تسلیحات تاکتیکی اتمی در ترکیه و نگرانی ایران درباره سپر دفاع موشکی در خاک ترکیه. بنابراین، عمدتا متغیر روابط خارجی در روابط دو طرف تاثیرگذار است، حتی اگر تنش هم باشد. اما به اعتقاد من، هیچ ضرورتی ندارد که ایران و ترکیه وارد تنش با یکدیگر شوند و این از لحاظ استراتژیک اشتباه است که ما بر رویکردهایی تمرکز کنیم که تنش را در روابط دو کشور برجسته می کند. به اعتقاد من، گرچه برخی واقعیت هایی هم وجود دارد اما از لحاظ استراتژیکی، برجسته کردن این تنش ها به نفع دو کشور نیست؛ مسؤلات ترکیه نیز این دیدگاه را دارند. به هر حال، فرصت بسیار خوبی است که در خدمت آقای سفیر باشیم. من از آقای سفیر خواهش می کنم که مقدمه ای یا چند نکته ای را برای شروع بحث بیان فرمایند. پس از آن، من نیز نکاتی را مطرح خواهم کرد.

آقای علیرضا بیگدلی: بسم الله الرحمن الرحيم. من از مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، به خاطر فرصتی که در اختیار بنده قرار دادند و همچنین از جناب آقای دکتر برزگر که قبول زحمت کردند و در این جلسه حضور پیدا کردند و شما دانشجویان و پژوهشگرانی که وقت خود را اختصاص داده اید تشکر می کنم. من برای شروع بحث می خواهم به سه گفتمان در روابط ایران و ترکیه اشاره کنم.

نخست، گفتمان «تقابل» است که من فکر می‌کنم این گفتمان در محافل روشنفکری ایران رایج است. این گفتمان مدلی است که ما براساس جنگ چالدران و تقابل سلطان سلیم یکم و شاه اسماعیل یکم صفوی شروع می‌کنیم. شما نگاه می‌کنید که همین امروز هم در روابط ایران و ترکیه، یک عده‌ای هستند وقتی که می‌خواهند تحلیل کنند، از همین زیرساخت‌های فکری که ۵۰۰ سال پیش، ۱۵۱۳ م. وجود داشت، استفاده می‌کنند. مشکلات قومی، مسائل مربوط به مذهب‌گرایی، حضور اقلیت‌ها در آن سمت و مسائلی مشابه این، بهانه‌ای است که شما نسبت به همدیگر بی‌اعتماد باشید، در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کنید و بهانه داشته باشید برای اینکه با طرف مقابل مقابله کنید.

دوم، گفتمان "رقابت و همکاری" در چارچوب واقع‌گرایی است. این نوع گفتمان یک نوع نگاه تاجر مسلکانه و تاجرمانانه به روابط ایران و ترکیه از منظر ترکیه یا ایران دارد. شما در اینجا، بیشتر توجه‌تان این است که منافع خودتان را در سقف حداکثری تامین کنید و تلاش‌تان هم این است که طرف مقابل را تا آنجا که می‌توانید از مواضع و منافع خودش به عقب برانید؛ در واقع نوعی بازی برد - باخت که شما طراحی می‌کنید. عمدتاً در این نگاه رقابت - همکاری، شما می‌بینید که حتی در زمان همکاری، یک نوع بی‌اعتمادی به دلیل وجود آن رقابت در پس‌اندیشه وجود دارد. همچنین، در فضای همکاری - رقابت ایران و ترکیه به موازات جریان تقابل، پیوندهای جدی میان دو کشور دیده نمی‌شود.

سوم، گفتمانی است که ما نام آن را گذاشته‌ایم، «تعامل و ترمیم». این گفتمان زیرساخت فرهنگی و مردمی دارد. در یک جغرافیای پیوسته و یک تاریخ مشترک، شما نگاه می‌کنید که مردم ترکیه علاقه بسیار عجیبی به ایران دارند. اگر کسی واقعاً در ترکیه زندگی نکرده باشد، این کلمه "عجیبی" را که من می‌گویم، شاید درک نکند. خواه در شرق ترکیه یا در غرب ترکیه زندگی کنند، کرد، علوی، ترک، سکولار و مسلمان باشند، وقتی که راجع به ایران با آنها صحبت می‌کنید، یک خاطره بسیار خوب از یک همسایه قدرتمند در گذشته و یک کشوری که امروز راه خود را با اقتدار دارد ادامه می‌دهد، دارند. این نوع نگاه را شما نزد یک راننده تاکسی، استاد دانشگاه، یک هنرمند ترک و ... می‌بینید. این موضوع می‌تواند به دلیل پیوندهای عمیق فرهنگی میان دو کشور باشد. مثلاً تصور خود من این است که حتی قرارداد گاز جاری میان ایران و ترکیه براساس این گفتمان تعامل در زمان آقای اربکان بسته شد؛ یعنی اگر قبل یا بعد از دوره آقای اربکان که گفتمان تعامل محور نبود این اتفاق به وجود نمی‌آمد.

این سه گفتمان به موازات همدیگر همیشه وجود دارند. یعنی همیشه یک عده ای هستند که تقابل می کنند، یک عده ای هستند که به دنبال رقابت و حداکثر منافع هستند و یک عده ای هم هستند که به دنبال تعامل هستند. اینکه ما به عنوان مدیران حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در وزارت خارجه یا بیرون از وزارت خارجه، چقدر موفق شویم تا وجه روابطمان را به سمت تعامل سوق دهیم، همین میزانی است که ما در واقع، می توانیم از ظرفیت های ایران و ترکیه متقابلاً بهره مند شویم. اگر ما بتوانیم این دو را به یکدیگر نزدیک کنیم، یک بازار ۱۵۰ میلیونی خواهیم داشت. کشوری که به هرحال، از آن طرف به اروپا و از این طرف به شبه قاره راه دارد. این در واقع، مجموعه مطالبی است که من می خواستم اشاره کنم. در خلال سؤال های شما ممکن است که من به همین مباحث برگردم. امروز شما در ترکیه می بینید که آدم هایی خاص فقط روی رقابت کار می کنند، آدم هایی خاص که روی تقابل کار می کنند و آدم هایی خاص که دارند برای تعامل دو کشور زحمت می کشند. اگر ما بتوانیم تلاش کنیم تا وجه تعاملی را افزایش دهیم و یک جابه جایی گفتمانی در بعضی شخصیت ها و نویسندگان ایجاد کنیم، یک موفقیت بزرگ برای همه خواهد بود.

دکتر کیهان برزرگر: خیلی ممنون آقای سفیر. اگر اجازه دهید، من چند سوالی را مطرح می کنم. سپس، حضار می توانند به طرح سؤالات خود بپردازند. همان طور که می دانید ترکیه کشوری است که نهادهای بوروکراتیک و سکولار در طول دهه های گذشته در آن نهادینه شده است و آنها قدرتمند هستند. اما این یک بخش جامعه است. یک بخش دیگر که شاید بخش جدی تر آن باشد و ما الان نزدیک به ۷-۸ است که با آن بیشتر آشنا شده ایم، جنبه های اسلام گرایی حکومت ترکیه است. البته جامعه ترکیه یک جامعه مسلمان است و بحثی در این خصوص وجود ندارد. با توجه به اینکه شما به هرحال، مشاهده عینی دارید و از نزدیک، نهادهای مختلف را می بینید، سؤال من این است که اسلام گرایی در سیاست داخلی و خارجی ترکیه هم اکنون چه جایگاهی دارد؟ واقعا حد و حدود اسلام گرایی در ترکیه تا کجاست؟

آقای علیرضا بیگدلی: به نظر من، این بحث یک بحث ریشه ای است. ما اگر می خواهیم ترکیه امروز را بشناسیم، دو موضوع را باید بررسی و به آنها شناخت و اشراف پیدا کنیم. یک بحث اسلام است و بحث دیگر، اقتصاد ترکیه. من بحث اسلام را از منظر خودم بررسی خواهم کرد. من فکر می کنم که حتی مباحثی مانند سکولاریسم و تحولاتی که تقریباً در صد سال گذشته در ترکیه اتفاق افتاد، ارتباط مستقیم با بحث اسلام در دوره عثمانی دارد. یعنی اگر شما بخواهید به خوبی متوجه شوید که ریشه تحولات اخیر گزی پارک و ناآرامی های ترکیه

در کجاست، حتما باید برگردید به اینکه چگونه عثمانی خلافت اسلامی را به عنوان قدرت خود به دست آورد، چگونه شد که کم‌کم از آن رویگردان شد و این را عامل شکست‌ها و ضعف خود تلقی کرد و بعد از آن هم چگونه شد که در مقابل، سکولاریسم را به عنوان یک عنصری که بتواند قدرت عثمانی و قدرت ترکیه را بازآفرینی کند مطرح کردند. از زمانی که اسلام با یک هجمه سنگینی به حاشیه رانده شد، من فکر می‌کنم که جامعه ترکیه دچار یک ناآرامی یا دچار یک تنش هویتی شده است و این تنش هویتی تا اوایل قرن حاضر یعنی تا زمانی که حزب عدالت و توسعه دارد به قدرت می‌رسد، به اشکال مختلف خود را نشان داده است. از زمانی که حزب عدالت و توسعه عنصر اسلام را به عنوان یکی از عناصر موثر در مبارزات انتخاباتی خودش مطرح می‌کند و براساس آن حرکت می‌کند، من فکر می‌کنم که دوباره جامعه ترکیه به یک آرامش نسبی برمی‌گردد و از این نقطه است که شما احساس می‌کنید که گویا ترکیه دارد دوباره یک مرحله اوج گرفتن قدرت یا همان بحث نوعثمانیسم را بازآفرینی می‌کند. بنابراین، شناخت این روند بسیار مهم است. متأسفانه، من ندیده‌ام درباره این مساله در کشور ما به خوبی کار شود.

اساساً شناخت ترکیه در کشور ما ضعیف است. ما اگر خواستیم عثمانی را بشناسیم، نخواستیم که عثمانی را بشناسیم یا ترکیه را بشناسیم بلکه خواستیم آنها را بشناسیم که کمی خودمان را بیشتر بشناسیم. تاریخ آنها را مطالعه کرده‌ایم که تاریخ ایران را به خوبی بشناسیم. به عنوان مثال، اگر برخی شخصیت‌های آنها را بررسی کرده‌ایم، خواسته‌ایم که ارتباط این شخصیت‌ها را با تاریخ خودمان پیدا کنیم. به نظر من، یک شناخت عمیق و دقیق از همسایه بزرگ خودمان و به عنوان همسایه‌ای که در سرنوشت ما موثر است، نداشته‌ایم. بعد دیگر، بحث علوی‌های ترکیه است. حتی در میان کسانی که راجع به این موضوع کتاب نوشته‌اند، شناخت عمیقی وجود ندارد. شما نگاه می‌کنید که یک سری مسائل عمومی و عامه به عنوان برداشت‌هایی نسبت به علوی‌های ترکیه وارد ادبیات ما شده است؛ آنهم بسیار محدود است. یا می‌توان به موضوع اخوان در ترکیه اشاره کرد. من با کارشناسان اخوان در ایران که صحبت کردم، شناخت درستی نسبت به اخوان ترکیه ندارند؛ یعنی تظاهراتی که ما امروز از اخوان ترکیه در سیاست خارجی این کشور داریم می‌بینیم، با آن شناختی که ما از اخوان در ترکیه داشتیم، تطبیق نمی‌کند و همین‌طور، شاخه‌های دیگر اسلام. حتی به عنوان مثال، به شناخت نسبت به سلفی‌گری در این کشور، بحث تشیع در این کشور و مباحث دینی که بسیار هم در ترکیه طرفدار دارد، می‌توان اشاره کرد.

بنابراین، من اعتقاد دارم که ریشه عمده تحولات امروز ترکیه را باید در عنصر اسلام و اقتصاد ترکیه دنبال کنیم. امیدوارم که در این زمینه نیز بتوانیم با کمک دوستانمان شاهد مقالات موثر و کتاب‌هایی خوب باشیم تا حداقل جامعه خودمان را نسبت به روند اسلام‌گرایی در ترکیه متوجه کنیم.

دکتر کیهان برزگر: خیلی ممنونم آقای بیگدلی. به نظر من، نکات خوبی را مطرح کردید. فقط این نکته را بگویم که ترکیه تا قبل از تحولات سوریه، به عنوان یک بازیگری مطرح بود که نقش زیادی را ایفا می‌کرد و اصطلاحاً با سیاست «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان» نقش خود را افزایش داد و تبدیل شد به کشوری که واقعا مورد علاقه همه بود. ولی درحال حاضر، نقش آن کاهش پیدا کرده است. به ویژه به دلیل بحران سوریه یا به هر دلیلی که نمی‌خواهم وارد این بحث شوم. اما اردوغان - حتماً آقای سفیر هم این را شنیده‌اند - در مناسبتی در یکی - دو ماه گذشته گفت که «عیبی ندارد که اگر نقش ما هم تضعیف شده، اما اقتصاد ما همچنان قوی است»؛ یعنی ما از طریق دیپلماسی اقتصادی خود می‌توانیم روابطمان را با همسایگان و در حوزه‌های نفوذمان تحکیم کنیم. آقای سفیر، اگر این نکته را در نظر بگیرید، بنابراین، روابط ایران با ترکیه باید چشم‌انداز خوبی داشته باشد؛ به نفع منافع ملی ما است که با چنین کشوری رابطه داشته باشیم. در این ارتباط، سؤال من این است که واقعا جایگاه ترکیه در اقتصاد آسیا و دنیا کجا است؟ آیا از طریق پاسخ به این سؤال، می‌توانیم به یک تحلیلی دست پیدا کنیم که نزدیکی روابط ایران و ترکیه به نفع منافع ملی هر دو کشور است؟

آقای علیرضا بیگدلی: اگر از منظر اقتصادی بخواهیم صحبت کنیم، فکر می‌کنم که نکته درستی است. ما دو کشوری هستیم که می‌توانیم با استفاده از ظرفیت‌های جغرافیایی مشترک، مباحث مربوط به ترانزیت و اتکاء به همدیگر در حوزه صنعت و فناوری - اگرچه، در این زمینه به هر حال، ترک‌ها از ما جلوتر نیستند ولی اگر ما بتوانیم ظرفیت‌های خودمان را در همان بحث تعامل که خدمتتان عرض کردم، جمع کنیم - روابط خود را بیشتر توسعه دهیم. به دلیل اینکه اگر ایران و ترکیه با یکدیگر جمع شوند، ۱۵۰ میلیون نفر می‌شوند و اگر ایران و ترکیه با هم جمع شوند، یک مجموعه بزرگی هم به آنها ملحق خواهد شد.

آن نکته‌ای که من راجع به اقتصاد ترکیه عرض کردم، این بود که اقتصاد ترکیه اقتصادی است که با کمک خارجی توانسته است سرپای خود بایستد و رشد کند. معروف است که تورگوت اوزال، معمار اقتصاد ترکیه است. ولی معماری‌ای که ایشان انجام داد براساس برنامه‌هایی بود که صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی توصیه

کرده بود. در نهایت، زیرساختی که توسعه اقتصادی ترکیه دارد، به واسطه نیازهای سیاسی منطقه به یک ترکیه باثبات بوده است.

نگاهی که در کشور ما نسبت به اقتصاد ترکیه وجود دارد، به نظر من، یک نگاه واقع‌بینانه نیست. به عنوان مثال، شما بسیار می‌شنوید که ترکیه کشوری است که نرخ رشد اقتصادی ۹ درصد را تجربه کرده است. ولی کسانی که این را می‌گویند اگر توجهی به نمودار رشد اقتصادی ترکیه کنند، می‌بینند که اقتصاد ترکیه از ۲۰۰۱ با منفی ۹ درصد، با یک رکود خیلی وحشتناک شروع می‌کند و به تبع، به دلیل سال‌هایی که رکود چشمگیری وجود داشت، سال بعد از آن کوچک‌ترین حرکت شما یک رشد بالایی را ایجاد می‌کند. به این ترتیب، نرخ رشد اقتصادی ۵/۵ درصد تا ۲۰۰۸ است که دوباره به دلیل مشکلات اقتصادی اروپا، این رقم به منفی ۴/۵ درصد می‌رسد و سال ۲۰۰۹ به ۹ درصد می‌رسد که این درصد دوباره برمی‌گردد به همان ضعف سال قبل. سال گذشته، نرخ رشد اقتصادی ۳/۲ درصد بود و امسال پیش‌بینی‌ها حدود ۲ درصد است که البته، ممکن است محقق نشود. جالب است که اگر شما همین نرخ رشد اقتصادی ترکیه را مدنظر قرار دهید و با نمودار بیکاری، آن را تطبیق دهید، می‌بینید که علیرغم افت و خیزی که نرخ رشد اقتصادی ترکیه دارد نمودار بیکاری ترکیه در ۱۱- ۱۰ درصد ثابت باقی می‌ماند؛ یعنی خیلی نرخ رشد اقتصادی این کشور بر بیکاری و رفع بیکاری آن تاثیر نداشته است.

این مساله در واقع، نشان می‌دهد که اقتصاد ترکیه اقتصادی است که به واردات سرمایه‌های فرار بسیار متکی است و سرمایه‌های پایدار وارد این کشور نشده است؛ کما اینکه ما در ماه‌های گذشته در ترکیه دیده‌ایم که مناقشات داخلی مشکلاتی را برای اقتصاد ترکیه به وجود آورده است. اگر شما به اقتصاد کلان ترکیه دقت کنید، می‌بینید که بسیاری از ترک‌ها تلاش می‌کردند که آن را در ترم‌هایی که اتحادیه اروپا مورد علاقه‌اش است، درآورند. به عنوان مثال، واردات حجیم طلا و صادرات حجیم طلا، برای اینکه این نمودار بتواند رشد خود را نشان دهد یا برای نمونه در بعضی حوزه‌ها - در بررسی‌ای که دوستان ما انجام داده بودند، نشان می‌دهد که - در منحنی حجم تجارت ترکیه با کشورهای خاورمیانه، ما شاهد یک رشد قابل توجهی هستیم؛ به طوری که از حدود سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲، از تقریباً ۲۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹، به نزدیک ۷۰ میلیارد در سال گذشته رسید.

اما در مقابل این رشد، ما می‌بینیم که منحنی صادرات و واردات ترکیه به شدت از هم فاصله می‌گیرد؛ یعنی صادرات، فوق العاده در یک نمودار ثابتی است و با وجودی که آن در حوزه خاورمیانه رشد دارد اما در حوزه‌های دیگر رشد چندانی نداشته است و یک نمودار ثابتی را در کل صادرات ترکیه دارد. به عنوان مثال، در ۲۰۱۲ صادرات ترکیه

۱۵۲ میلیارد دلار و واردات ترکیه حدود ۴۰۰ میلیارد دلار بود؛ یعنی شکافی در حدود ۲۵۰ میلیارد دلار در صادرات و واردات یا در تراز تجاری می‌بینید. در واقع، شما مجموعه‌ای از این گونه مسائل در اقتصاد کلان ترکیه شامل حساب جاری ترکیه، منحنی جذب سرمایه‌گذاری و شکاف میان جذب سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و سرمایه‌گذاری بلند مدت ترکیه مشاهده می‌کنید.

اگر کسی با نظر کارشناسی مطالعه کند، متوجه می‌شود که اقتصاد ترکیه بسیار آسیب‌پذیر است. همین طور، می‌توان به نرخ رشد تورم و نرخ برابری ارز - لیر و دلار - اشاره کرد. به عنوان مثال، ما در ماه‌های گذشته دیدیم که مجدداً تورم ترکیه به رقم ۱۰ دارد نزدیک می‌شود؛ یعنی دارد دو رقمی می‌شود. در خصوص نرخ برابری ارز (لیر و دلار) باید گفت که در بهترین ماه‌های سال از نظر واردات ارز یعنی زمانی که گردشگران در تابستان به ترکیه می‌روند و ارز وارد ترکیه می‌شود، معمولاً ترک‌ها ارزش پول ملی را مقداری بالا می‌برند برای اینکه میزان تبدیل (Change) که انجام می‌شود، به نفع دولت باشد. امسال نه تنها این اتفاق نیفتاد بلکه، ارزش پول ملی آن الان از ۱/۸ به تقریباً ۱/۲ رسیده است؛ یعنی حدود ۱۵ درصد، ما شاهد کاهش نرخ برابری لیر نسبت به دلار یا حتی بیشتر از این، نسبت به یورو هستیم. این در حالی است که دولت ترکیه بیش از ۶۰۰۰ دلار تزریق ارز به بازار داشته است برای اینکه بتواند نرخ برابری ارز را مدیریت کند؛ چون آنها تلاش می‌کردند که نرخ از رقم ۲ عبور نکند.

در تحلیل تحولات ترکیه به این مسائل خیلی توجه نمی‌شود، در حالی که آنها بسیار مهم هستند؛ زیرا یکی از دلایل موفقیت ترکیه در سال‌های گذشته، موفقیت‌های حوزه اقتصادی‌اش بوده است. اگر خوب بررسی کنید، می‌بینید که عامل خارجی و حمایت بیرونی برای اینکه ترکیه باثبات باشد در این زمینه بسیار مهم بوده است. ولی در مجموع، من با نظر شما کاملاً موافق هستم که اگر ترکیه یک کشور اقتصادی موفق باشد، به تبع برای ایران که علاقمند است با این کشور رابطه داشته باشد، فوق‌العاده موثر و خوب هم خواهد بود.

دکتر کیهان برزگر: خیلی ممنون آقای سفیر. من می‌خواهم دیدگاه شما را درباره نگاه ترکیه به غرب و آمریکا بدانم. به هر حال، از لحاظ اجتماعی و فرهنگی، ملت ترکیه یک ملت شرقی است. با توجه به همه کدهای اجتماعی - فرهنگی، از موسیقی، غذا تا طرز تفکر و ... بسیار ملتی شرقی است. اما اتفاقی که در ترکیه افتاد، این بود که برخی از رهبران ترکیه که شروع آن هم از زمان کمال آتاتورک بود به این نتیجه رسیدند که برای ترکیه و منافع آن خوب است که به غرب نزدیک شود. البته، این به اشتباه به وسیله برخی دیگر از مقامات ترکیه این گونه تعبیر شد که ترکیه غربی شود که این یک اشتباه است. یک جریانی در ترکیه علاقمند است که ترکیه منافع خود را

در نزدیکی با غرب تعریف کند که این نوع نگاه منجر به این شد که در دهه‌های گذشته، ترکیه به نهادهای غربی مثل ناتو و ساختارهای نظامی و امنیتی غربی بپیوندد. اساس تحلیل هم امروز در واقع این است که ترکیه در انتخاب میان غرب و شرق همچنان می‌خواهد به طرف غرب نزدیک شود یا همان بحث سنتی پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا. حال، می‌خواهم که دیدگاه شما را بدانم که نگاه مردم ترکیه نسبت به غرب و آمریکا در حال حاضر، چیست؟ برای اینکه ما وقتی برای مثال، به روسیه می‌رویم احساس می‌کنیم که ملت روسیه نسبت به غرب و آمریکا رفته‌رفته دارد ضدآمریکایی می‌شود؛ یعنی یک قسمت آن مربوط به جوانان است که نگاه مستقلی دارند. اگر همه اینها را کنار بگذاریم، به هر حال ملت‌ها می‌خواهند خودشان را بیان کنند و الزامی ندارند که حتما خودشان را به غرب وصل کنند. به هر حال، تکنولوژی دارد گسترش پیدا می‌کند، ملت‌ها تاریخ دارند، هویت دارند و می‌خواهند که خودشان را مطرح کنند. به نظر شما، این موضوع درباره ترکیه چگونه است؟

آقای علیرضا بیگدلی: تحولات جنگ جهانی اول در شکل‌گیری سیاست‌های ترکیه، چه سیاست داخلی و چه سیاست خارجی، و به قدرت رسیدن آتاتورک و سکولاریسم بسیار موثر بود. ترک‌ها در جریان جنگ جهانی اول یک انتخاب اشتباه کردند و با آلمان هم‌پیمان شدند و نتیجه این هم‌پیمانی را فروپاشی خودشان دیدند. این خاطره به نظر من، برای آنها فوق‌العاده هم ماندگار است و هم موثر. برای اینکه بعد از این، با چه کسانی می‌خواهند هم پیمان شوند و تلاش بسیار زیادی می‌کنند که همواره خودشان را نزد قدرت برتر نگاه دارند. من فکر می‌کنم که بسیاری از اقداماتی که آنها بعد از جنگ جهانی اول انجام دادند و نزدیکی‌هایی که به انگلستان داشتند و بعد از جنگ جهانی دوم، به آمریکا و وارد ناتو شدند، همین تحولات مربوط به جنگ جهانی اول در اتخاذ این تصمیمات برای ترکیه فوق‌العاده مهم بود. امروز هم در جامعه ترکیه، وقتی شما صحبت از دوران گذار می‌کنید، لمس دوران گذار برای مردم ترکیه و برای عمدتاً نخبگان ترکیه از لمس دوران گذار برای مردم ما به نظر من، کمی جدی‌تر است؛ یعنی آنها این موضوع را برای خودشان خیلی ملموس‌تر می‌بینند که دوران گذار یعنی چه؟ دوران گذار برای ترکیه یعنی دورانی که اگر شما دقت نکنید، ممکن است به فروپاشی شما منجر شود. بنابراین، نگاهی که الان دارند، بیشتر از نگاه حفظ وضع موجود خودشان است؛ یعنی با یک نوع نگرانی از بقا به این جمع‌بندی رسیدند که در دوران گذار باید به سمت قدرت برتر بروند و با قدرت برتر همراهی کنند تا شاید منافعشان در موقع تقسیم حفظ شود. این را ما می‌توانیم ببینیم؛ یعنی در رفتارهای آنها [غرب]، علیرغم اینکه بعضاً نامهربانی‌ها و مداخله‌هایی را می‌بینند ولی درنهایت، به جای اول خودشان برمی‌گردند و علاقمند به توسعه روابط با آمریکا هستند.

ولی در میان مردم که شما می‌روید، می‌بینید که مردم یک نگاه بدبینانه را نسبت به بازی‌ای که قدرت‌ها با ملت‌های شرقی از جمله با مردم ترکیه کرده‌اند، در خودشان حس می‌کنند. حتی در آموزش‌هایی که به مردم می‌دهند، این مساله مشاهده می‌شود؛ اینکه علیه آنها توطئه شده برای اینکه کشورشان را تقسیم کنند و قدرت و عظمتشان را از آنها بگیرند. در موزه‌هایشان که می‌روید، این را بازسازی می‌کنند تا مردم ببینند که چه کسانی بوده‌اند و چرا به این روز افتاده‌اند؛ که یکی از دلایل آن را مداخله خارجی می‌دانند. در تحولات و ناآرامی‌هایی که اخیرا اتفاق افتاده است، نخست وزیر ترکیه صراحتا عامل خارجی و مداخله را به عنوان یک عامل اصلی مطرح کرده است. البته، بعضی این را به عنوان توهّم توطئه مطرح کرده‌اند. ولی بسیاری این را قبول دارند که دیگران می‌خواهند در سرنوشت این کشور مداخله کنند. من هم فکر می‌کنم که اگر یک نظرسنجی شود، این مساله به خوبی نشان داده خواهد شد. همان طور که قبلا هم در سال ۲۰۰۳، پس از حمله عراق انجام شد؛ ترک‌ها به شدت رویکرد ضدآمریکایی نشان دادند و برخی گفتند که شاید به خاطر عراق است. اساسا یک نگاه ضدغربی و ضدآمریکایی وجود دارد. در ارتباط با بحث اتحادیه اروپا، من احساس می‌کنم که مردم یک نوع حس تحقیرشدگی دارند؛ یعنی اینکه وقتی با آنها صحبت می‌کنید، می‌گویند که «نه، ما فکر نمی‌کنیم که آنها هیچ وقت ما را بپذیرند و مقامات ما اشتباه می‌کنند که این قدر مینت آنها را می‌کشند». ما باید به این رویکردی که دولت اردوغان، میان مردم تقریبا جا انداخته است که «ما باید کاری کنیم که اروپا مجبور شود که با ما متحد شود و بعد، ما تصمیم بگیریم که به اروپا ملحق شویم یا نه» توجه کنیم. به خصوص که تا قبل از این ناآرامی‌ها، وی می‌گفت که «روزی خواهد شد که ما تصمیم می‌گیریم که آیا به اروپا بپیوندیم یا خیر». به نظر من این موضوع ناشی از حالت تحقیرشدگی است و این واقعیتی است که نزد مردم ترکیه وجود دارد.

دکتر کیهان برزگر: من سؤال آخر خود را مطرح می‌کنم. سپس، وارد بحث عمومی دوستان می‌شویم. سوال من درباره سیاست منطقه‌ای ترکیه و به طور خاص، بحران سوریه است. به هر حال، ترک‌ها که وارد بحران سوریه شدند، احتمالا احساس نمی‌کردند که دامنه‌های نقش و نفوذشان تضعیف شود. اساسا اهمیت نقش ترکیه در مسائل منطقه‌ای به دلیل رویکرد میانجی‌گرایانه آنها بود؛ یعنی از طریق ایران به حزب الله و حماس یعنی مسائل لبنان و فلسطین، از طریق ایران به منابع مالی و نقش سیاسی در خلیج فارس، افغانستان و آسیای جنوبی و غیره وصل می‌شدند. ولی در حال حاضر، مواضع‌شان با ایران درباره بحران سوریه کاملا متفاوت است؛ به نحوی که در این قضیه، ایران و ترکیه در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. اگر شما مقایسه کنید، می‌بینید که موضع ایران مشخص است

و در یک چارچوبی به دنبال راه حل سیاسی است که بارها گفته شده، در یک چارچوب خاصی که سیستم دولت (state) در سوریه حفظ شود اما ترک ها در جهت متفاوتی خواهان تغییر جریان سیاسی در سوریه هستند. ارزیابی شما از این نوسان سیاست منطقه ای ترکیه و سیاست ترکیه در بحران سوریه چیست؟ ترکیه در بحران سوریه می خواهد تا کجا پیش رود؟ شما سیاست منطقه ای ترکیه را در قالب کلی تحولات عربی و با تمرکز بر سوریه چگونه ارزیابی می کنید؟

آقای علیرضا بیگدلی: خوشبختانه کتاب داوود اوغلو که بیانگر دیدگاه های ایشان است، به فارسی ترجمه شده است. نگاه او این است که ترکیه مادامی که نگاه درون گرا دارد - یعنی تعبیر ایشان این است که تا پایان قرن بیستم، ترکیه نگاه درون گرا داشته است - ارتشی ها در این کشور در قدرت خواهند بود؛ به خاطر اینکه نگرانی برای بقا و حفظ مرزها وجود دارد. اعتقاد او این است که اگر ما بخواهیم که از این نگرانی برای بقاء خارج شویم و به یک قدرتی که جغرافیا و تاریخ ما به ما حق می دهد که داشته باشیم، لازمه اش این است که برگردیم و جاهای پای خود را در محدوده ای که عثمانی بود، پیدا، احیاء و محکم کنیم. وی می گوید «هرجا که یک شهید عثمانی بر زمین افتاده، آنجا جایی است که ما باید برخیزیم». شما می بینید که او در عمل، این شعار را از دیپلمات هایش خواسته است که بروند تا آن جای پاها را پیدا و محکم کنند.

در واقع، سیاست «مشکلات صفر با همسایگان» راهبردی است برای رسیدن به این هدف؛ یعنی آنها می گویند که ما برای اینکه از این وضعی که در داخل مرزهای خودمان محصور هستیم، خارج شویم و نگرانی داریم، باید اول از همسایگان شروع کنیم؛ شروع هم کردند و خیلی هم خوب شروع کردند و موفق هم بودند. ولی از همان زمان، یکی از نگرانی هایی که آنها داشتند، این بود که ممکن است کشورهای موجود نپذیرند که ترکیه به شرایط قبلی خودش بازگردد. به هر حال در بالکان، ترکیه تحرکات زیادی را آغاز کرد. در کتاب آقای داوود اوغلو بخشی به بالکان، بخشی به قفقاز، یک بخش به خاورمیانه و یک بخش به خود ایران اختصاص داده شده است؛ یعنی او مناطق نفوذ را توضیح می دهد و این نگرانی وجود دارد که اگر ما نتوانیم برگردیم، بعد چه خواهد شد. در جامعه ترکیه نیز همین نگرانی وجود دارد که به هر حال، ما تلاش کرده ایم. ولی امروز رفتن به بالکان دیگر کار ساده ای نیست و در قفقاز نیز محدودیت هایی وجود دارد.

من تحولات امروز سیاست خارجی ترکیه را دوباره از همین منظر می بینم. یعنی ترکیه تلاش می کند تا فضای تنفسی خود را در حوزه های ژئوپلیتیک باز نگاه دارد. اما واقعیت این است که این فضا به انحای مختلف محدود

می‌شود. به عنوان مثال، در بالکان از تلاش‌هایی که آنها کردند استقبال نشد؛ یعنی رغبتی که آنها برای گسترش حضورشان داشتند، توجه به اقلیت مسلمان و توجه به اقلیت ترک، با بدبینی و سوءظن مواجه شد و آنها بدتر بسته شدند. در منطقه قفقاز آنها با ارامنه نتوانستند به یک جمع‌بندی برسند و ارامنه آنها را محدود کردند. روس‌ها بر ورود آنها به منطقه آسیای مرکزی و از آنجا به جنوب روسیه به شدت حساس هستند. در حاشیه دریای سیاه، روس‌ها سعی می‌کنند تا آنها را محدود کنند. در حوزه ایران، به شکلی تاریخی این تلقی وجود دارد که نفوذ در ایران کار راحتی نیست. اگرچه، آقای داووداوغلو در عمق ذهن خود، یک تعبیر زیبایی را تحت عنوان «تیر و کمان» دارد. وی می‌گوید که «اگر کمان ترکیه بخواهد با قدرت عمل کند، این زه کمان را ما باید بتوانیم بکشیم و برای کشیدن این زه کمان، ما باید در جغرافیا عقبه داشته باشیم. شما اگر بخواهید به سمت اروپا تیر بیاندازید، باید در ایران بتوانید به عقب بروید و برعکس، اگر بخواهید در دل شبه قاره قدرت‌نمایی کنید و تیراندازی کنید، باید خودتان را در اروپا عقب بکشید؛ یعنی میدان داشته باشید. او احساس می‌کند که اگر ترکیه بخواهد در اروپا نفوذ کند باید تا خراسان، افغانستان، آسیای مرکزی و در خاک ایران امکان کشیدن این زه وجود داشته باشد.

این از یک جهت درست است که بالاخره دو کشور [ایران و ترکیه] را به یکدیگر نزدیک می‌کند؛ اگر این باور پیاده شود؛ یعنی بگوید که ما به ایران احتیاج داریم، بنابراین با ایران کار می‌کنیم. ولی اگر این به این مفهوم باشد که بالاخره ما می‌خواهیم افغانستان یا آسیای مرکزی را از چنگ ایران درآوریم، به تبع دوباره تبدیل می‌شود به یک رقابت به جای تعامل. بنابراین، محدودیت‌هایی که در حوزه رقابت ژئوپلیتیک یا حوزه منافع ژئوپلیتیک مطرح شد، ترکیه را به این جمع‌بندی رساند که تنها مفری که برای تنفس آن وجود دارد، سوریه است. در این زمینه، شما می‌بینید که بهترین روابط را آنها توانستند با سوریه در همین قالب، طراحی کنند. در میان همسایگان، هیچ کشوری نیست که رابطه‌اش با ترکیه به میزانی که بشار اسد و سوریه با آن رابطه داشت، توسعه پیدا کرده باشد. دلیل آن هم همین است؛ یعنی هم آمریکایی‌ها استقبال کردند و هم خود ترک‌ها استفاده کردند که این روابط در حوزه سوریه گسترش پیدا کند. اما وقتی که به میدان جنگ رسیدند، بالاخره شرایط عوض شد و دوباره آنها احساسشان این بود که این میدان را به هر شکلی، باید به دست آورند و اجازه ندهند که به دست رقیب آنها افتد.

یک نگاه، نگاه عقیدتی و به هر حال اسلام‌گرایانه است؛ یعنی در تحولات سوریه من اعتقاد دارم که عنصر اسلام‌گرایی ترک، عنصر بسیار موثر و مهمی است. توصیه‌هایی که آقای اردوغان و مقامات ترکیه به بشار اسد در مدت ۸ ماه کردند، بخش عمده آن در این راستا بود که او را متقاعد کنند که اخوان را وارد دولت سوریه کند. گفتند

شما آنها را بیاورید و به آنها سهم و جایگاه دهید، اجازه دهید که در انتخابات وارد شوند و ما قول می‌دهیم که از شما حمایت بکنیم و شما در انتخابات بمانید. ولی آقای بشار اسد زیر بار اینکه اخوان را وارد حاکمیت کند، نرفت و یک تقابل این شکلی شکل گرفت. مباحث دیگری مثل علوی‌گری یا رویکردهایی که آنها هم دارند، وجود دارد.

عامل سوم من فکر می‌کنم نگاهی بود که از اول، این تعریف را کرد که «تحولات سوریه، تحولات داخلی ترکیه است». این جمله‌ای بود که نخست وزیر ترکیه گفت. البته از این منظر، واقعی است؛ یعنی با کشوری که ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد و مساله علوی‌ها و ترک‌ها را دارد. نگرانی‌ایی که الان به وجود آمده بحث بازگشت مجدد نظامیان به قدرت در ترکیه است و این که کودتایی که در مصر شکل گرفته، نکند در ترکیه شکل بگیرد. البته خودشان رد می‌کنند و عنوان می‌کنند که ما زیرساخت‌های حکومتی‌مان در ترکیه با مصر متفاوت است. ولی بالاخره این نگرانی وجود دارد. این از تاثیرات سوریه بر مسائل داخلی ترکیه است. یا تاثیر آن [بحران سوریه] بر رشد جریان سلفی‌گری در ترکیه؛ این یک بحث جدی است که وجود داشته است و در حال حاضر، به تدریج دارد خود را نشان می‌دهد. در واقع ارتباط میان بحران سوریه و مسائل داخلی ترکیه، از اول نگرانی‌ای ایجاد می‌کرد که ترک‌ها را تشویق می‌کرد تا مساله سوریه را زود جمع کنند؛ یعنی با این توقع هم آنها در این محور سومی که من خدمتان عرض کردم، وارد شدند.

دکتر کیهان برزگر: بسیار خوب. دوستان الان وقت این است که شما دیدگاه‌های خود را مطرح کنید. آقای سفیر به سؤالات شما پاسخ خواهند داد.

سؤال: تا اوایل سال ۲۰۰۰، ترکیه سکندار تلاش‌هایی بود که شورش‌های کردهای شمال عراق را به نوعی منکوب می‌کرد. ولیکن از سال ۲۰۰۷، می‌بینیم که پیشرفت بسیار مشخصی در روابط ترکیه با حکومت منطقه‌ای کردستان به وجود آمده است. به عنوان مثال، روابط قوی اقتصادی برقراری میان آنها برقرار شده است؛ به طوری که اردوغان در ۲۰۱۱، به این منطقه می‌رود و درباره خط لوله نفت و گاز از شمال عراق به ترکیه توافق می‌شود. همین طور، روابط رسمی خود را به سرعت دارند با حکومت منطقه‌ای کردستان عراق گسترش می‌دهند. در حال حاضر، بحثی که در محافل آکادمیک است، این است که این اقداماتی که ترکیه دارد انجام می‌دهد، به نوعی

در راستای به رسمیت شناختن دوفاکتوی استقلال شمال عراق است. آیا به طور عملی واقعا ترکیه دارد به این سمت می‌رود یا همچنان براساس همان سیاست‌های اعلامی‌اش مدافع تمامیت ارضی عراق است؟

آقای علیرضا بیگدلی: مدلی که من برای تحلیل تحولات کردی در ترکیه دارم، تقسیم آن به دو بخش است؛ یکی مسائل کردی که به امنیت داخلی و مسائل داخلی ترکیه مرتبط می‌شود که عمده این را تشکیلات استخبارات ترکیه [سازمان اطلاعات ملی ترکیه] دنبال می‌کند. بخشی دیگر نیز به سیاست خارجی برمی‌گردد و وزارت خارجه آن را دنبال می‌کند. اگر از این دو منظر مسائل را بتوانیم ترکیب کنیم، فکر می‌کنم که تحلیل این موضوع هم برای ما می‌تواند راحت‌تر باشد. آنجایی که آنها احساس می‌کنند که به مسائل داخلی‌شان و مسائل حوزه کردی ترکیه خیلی ارتباط پیدا نمی‌کند یا به آن مسیر کمک می‌کند، به نظرم خیلی آزادانه و راحت عمل می‌کنند؛ مسائلی همچون گسترش همکاری‌های اقتصادی با اقلیم و مسائل مربوط به خط لوله، مسائل مربوط به ترکمن‌های شمال عراق، مسائلی که به حوزه کل سیاست خارجی ترکیه در عراق نسبت به نوری المالکی و اهل تسنن برمی‌گردد و به طور کلی، سایر ابعادی که در حوزه سیاست خارجی ترکیه نسبت به عراق وجود دارد. در اینجا، شما نگاه می‌کنید که قدرت مانور ترکیه خیلی بالا بوده است و اقدامات ابتکاری متفاوتی را داشته‌اند. اما همین که به مسائل کردی ترکیه گره می‌خورد، شما نگاه می‌کنید که این موضوع هم پیچیدگی و هم افت پیدا می‌کند و دچار کندی می‌شود. الان موضعی که ترکیه نسبت به کنگره ملی کردی در اربیل دارد، می‌بینید که اوایل یک نوع همراهی است، آقای بارزانی را دعوت می‌کنند و با او صحبت می‌کنند بعد از آن خودشان سفرهایی را دارند و اعلام می‌کنند که ما هیچ مخالفتی نداریم. ولی بعد، شخص خود آقای نخست وزیر اعلام می‌کند که اگر بخواهند در این مسیری که به هر حال تهدیدی برای ترکیه است، حرکت کنند ما به هیچ وجه مشارکت نمی‌کنیم. پس از آن، معاون نخست وزیر بیان می‌کند که اصلا شرکت نمی‌کنیم و هیچ کس از نهادهای ما هم در آن شرکت نخواهد کرد. علت آن این است که مسائل حوزه سیاست خارجی کم‌کم با حوزه داخلی گره می‌خورد. به عنوان مثال، کرسی‌هایی که پ. ک. ک در کنگره دارد پیدا می‌کند، برای آنها قابل قبول نیست. این ارتباط را اگر شما بتوانید تفکیک کنید، من فکر می‌کنم که هم درک‌مان از مسائل کردی ترکیه بالا می‌رود و هم می‌توانیم خیلی راحت‌تر کار کنیم. یکی از مسائلی که تقریباً از یک سال گذشته، شاید از دسامبر ۲۰۱۲ شروع شده، همین تحولات کردی داخل ترکیه است که چرا شروع شد و چه مقصدی داشتند؟ چگونه شد که بیانیه اوجالان در میدان نوروز دیار بکر خوانده شد با حضور نزدیک به دو میلیون نفر که بعداً ادعا می‌کنند؟ اینها مسائلی هستند که یک وجه کار است؛ طرح سه

مرحله‌ای اوجالان و خروج پ. ک. ک. و یک بحث هم بحث سیاست خارجی است که من فکر می‌کنم که اگر اینها تفکیک شوند می‌توان به خوبی تحلیل کرد.

سؤال: من یک سؤال در ارتباط با مسائل داخلی ترکیه دارم. در واقع، تقویت سازوکارهای دموکراتیک در ترکیه به نوعی تاثیر مثبت بر کشورهای اطراف هم گذاشت. در سال ۱۳۸۰، من سفری به استانبول داشتم، اساتید و دانشجویانی که با آنها برخورد می‌کردم، می‌دیدم که می‌ترسیدند تا درباره اوضاع داخلی ترکیه اظهار نظر کنند. همچنین، نقش پررنگی که نظامیان در مسائل آنها داشتند، کاملا مشهود بود. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و روندی که این چند سال دنبال شد، این امیدواری به وجود آمد که سازوکارهای دموکراتیک در ترکیه قدرتمند شده‌اند. الان، شما نیز اشاره کردید که این نگرانی وجود دارد که دوباره این سازوکارها بهم خورد. آیا این امیدواری وجود دارد که این سازوکارها آنقدر قدرتمند شده باشند که بعد از حزب عدالت و توسعه، به عنوان مثال پس از انتخابات آینده دوباره عقب‌گردی در ترکیه صورت نگیرد؟

همان طور که شما اشاره کردید، درباره سیاست خارجی ترکیه مانور شد که ترکیه به خوبی و دقیق دارد پیش می‌رود. من خود تحقیقی درباره مقایسه ایران و ترکیه انجام داده‌ام که کدامیک از آنها نقش موفق‌تری در آینده خواهند داشت. تقریبا به این نتیجه رسیدم که همان نکته‌ای که شما در زمینه اقتصاد اشاره کردید، در حوزه سیاست خارجی نیز برای ترکیه اتفاق افتاده است؛ یعنی بخش عمده تحرکات ترکیه وابسته به حمایت‌های غرب است و نوع رابطه ایران با غرب؛ یعنی به طور مثال اگر ایران در جایی در حوزه ضعف قرار می‌گیرد، این مساله از توانمندی درونی ترکیه نیست، بلکه از سیاست بین الملل ناشی می‌شود و نه از رقابت ایران و ترکیه. در سیاست خارجی می‌بینیم که آن پختگی‌ای که به نظر می‌رسید ترکیه داشت انجام می‌داد، در سوریه مشاهده نشده است. ترکیه تصور می‌کرد که بشار اسد به زودی سقوط می‌کند. در صورتی که ما در ایران می‌دانستیم که این گونه نیست. یا در بحث حمله آمریکا به سوریه، به نظر می‌رسد که ترکیه کمی منفعل شده است یا در مصر، آنقدر در حمایت از مرسى پیش رفت که به نظر می‌رسد پس از مرسى نمی‌داند چه انجام دهد. به نظر می‌رسد که نوعی سردرگمی در سیاست خارجی آن به وجود آمده است که ما دوباره مشکوک می‌شویم که آنقدرها هم گفتیم، دقیق برنامه‌ریزی نکرده بودند. لطفا در این باره توضیح دهید.

دکتر کیهان برزگر: من این نکته را اضافه کنم که الان یک نگرانی‌ای که واقعا حزب عدالت و توسعه دارد، همان سابقه نظامی‌ها و قدرت گرفتن آنها است. به این علت، دست آنها در بحران سوریه بسته است؛ یعنی حزب

عدالت و توسعه نمی‌خواهد که ارتشی‌ها یک بار دیگر قدرت و نفوذشان در صحنه سیاسی ترکیه افزایش پیدا کند. به همین دلیل خیلی فعال هم نیستند، مجبورند که در یک حوزه‌هایی متوقف شوند تا این زحمتی که در طول ۷-۸ سال گذشته کشیده‌اند، به هدر نرود؛ در واقع، مساله عدم دخالت نظامیان در روند سیاسی را که تاحدی آنها تقویت کرده‌اند، بهم نریزد.

آقای علیرضا بیگدلی: من فکر می‌کنم که این مساله نیز از مواردی است که پژوهشگران باید درباره آن کار کنند که ما نیز آگاه شویم که چه خواهد شد؛ چون آینده ترکیه است. ولی آنچه من از مطالب و مقالاتی که رسانه‌های ترکیه نوشته‌اند و خوانده‌ام، این نکته است که این نگرانی در ترکیه وجود دارد و به هر دلیلی زمینه‌های آن را هنوز می‌بینند. بسیاری در سخنرانی‌هایشان نیز پاسخ می‌دهند که همین پاسخ، نشان دهنده نگرانی است. «اینکه نه خیر، مقایسه ترکیه با مصر قیاس مع الفارق است. در ترکیه، نظامی‌ها دیگر نمی‌توانند بازگردند». اما شما می‌بینید که بحث محاکمه نظامیان و صدور احکامشان، درست در همین اوج تحولات گزی پارک و به خصوص بعد از قضایای اخیر مصر، در صحنه ترکیه اتفاق می‌افتد. برای اینکه نشان دهند که بالاخره نظامیان در اختیار سیاسیون هستند؛ شاید یک نوع تظاهر به اینکه شما اطمینان داشته باشید که نمی‌توانند آنها برگردند. ولی به هر حال، من در جاهای مختلف دیده‌ام که این نگرانی وجود دارد.

الزاما این نگرانی، نگرانی بازگشتن نظامیان نیست. وجوه دیگری وجود دارد که قابل توجه است. یکی از وجوه آن بحث اسلام‌گرایی است؛ یعنی اگر شما بحث اسلام‌گرایی را در مقابل لیبرالیسم مطرح کنید، می‌بینید که عمق میدان تحولات ناآرامی‌هایی که در حال حاضر در ترکیه است، در آنها تقابل دو ارزش دیده می‌شود؛ یعنی در ظاهر، طیف‌های مختلفی در مقابل هم صف آرایی کرده‌اند. این طرف، اردوغان و شاید ۵۰ درصد مردم- حضور گسترده مردمی، شاید نزدیک به دو میلیون نفر در استانبول، یک میلیون نفر در آنکارا و در جاهای مختلف- که برای حمایت از نخست وزیرشان و حزب عدالت و توسعه به خیابان‌ها می‌آیند و بسیار پرشور حمایت می‌کنند. آن طرف هم نگاه می‌کنید که ماه‌ها و هفته‌ها درگیری است و مجددا شروع شده و تاکتیک‌هایی دارند و طیف‌های مختلفی میان خودشان هم وجود دارد. ولی به عمق میدان که نگاه می‌کنید، می‌بینید که جریانی که در مقابل جریان اردوغان قد علم می‌کند، آخر حرفشان این است که ما نگرانیم که این موضوع در نهایت بخواهد ما را در چارچوب‌های دینی محدود کند. آن چیزی که ما به هرحال آن را اسلام‌گرایی می‌نامیم، از نظر آنها محدودیت است. این طرف هم می‌گوید که طرف مقابل، ما را از صد سال پیش محدود کرده، تحت فشار گذاشته، توهین کرده، ادبیات و دین ما را از

ما گرفته است و ما الان در دوره شکوفایی هستیم. اردوغان در سخنرانی‌های خودش عمدتاً به دو، سه محور اشاره می‌کند. اول آنکه، ماهی که این تحولات شروع شد، ماهی بود که اوج شکوفایی موفقیت‌های حزب عدالت و توسعه و اردوغان بود. به عنوان مثال، قرارداد بزرگ‌ترین فرودگاه جهان در استانبول بسته می‌شود، قرارداد دومین نیروگاه هسته‌ای آنها با ژاپن بسته می‌شود و نخست وزیر ژاپن تامین اعتبار می‌کند. و یا در یک ماه، کار زیرگذر مرمره به پایان می‌رسد. جشن پایان بدهی‌ها به صندوق بین‌المللی پول و بازپرداخت وام به آن که آنها گرفته بودند، صورت می‌گیرد. نرخ بهره را از ۴/۶ برای اولین بار در تاریخ‌شان به زیر ۴ درصد رسانده‌اند. یک کارهای عجیب و غریبی که واقعا بسیاری از آنها بزرگ هم است. ولی بلافاصله می‌بینید که در همین ماه، تحولات از ۲۷ می شروع می‌شوند. علت آن از نظر اردوغان، این است که آنها قدرت تحمل شکوفایی این جریان ارزشی را ندارند. حال، شما هرچه بخواهید که این جریان ارزشی را تعریف کنید ولی انتهای آن، اسلام است. طرف مقابل هم آن را محکوم می‌کند. بارها به اردوغان گفته‌اند که این را شما نباید بگویید، چون جامعه را دوقطبی می‌کنید. ولی ایشان گفت «اینها کسانی هستند که با کفش وارد مسجد شدند، در مسجد مشروب خوردند، حجاب از سر دختران ما کشیدند». یعنی شما ببینید که مشخص است که چون سکوی انتخاباتی ایشان، مردم مسلمان است، فکر می‌کنند که مردم به این نوع حرف‌ها اهمیت می‌دهند و برای حمایت کردن می‌آیند. البته، درست هم است و برای حمایت کردن می‌آیند و طرف مقابل هم به بی‌دینی معرفی می‌شوند و بیشتر مورد حمله قرار می‌گیرند و این هم درست است. البته، نمی‌خواهم بگویم که آنها بی‌دین هستند. چون در آن طرف، عده‌ای کرد هستند که آنها دین دارند ولی الان خواسته‌های قومی دارند. عده‌ای علوی هستند با خواسته‌های اعتقادی‌شان و عده‌ای هستند با منافعشان. در واقع، یک طیفی وجود دارد. درنهایت، تقابل این دو جریان است و احتمال اینکه این برگشت شکل گیرد، به نظر من، در جامعه ترکیه وجود دارد.

مساله دوم نیز همین بحثی که خود شما مطرح کردید، به نظر من، بحث درستی است.

سؤال: بعد از تحولات نوین عربی، صحبت از مدل اسلام میانه ترکیه بسیار در رژیم‌های نوین عربی به گوش رسید و همایش‌های مختلف بین‌المللی در این خصوص تشکیل شد و امکان سنجی کاربست مدل اسلام میانه ترکیه را بررسی کردند. در ماه‌های ابتدایی سقوط مبارک، اردوغان سفری به مصر داشت و درباره اینکه مردم مصر باید سکولار باقی بمانند، صحبت کرد و سعی کرد که این روند را تبیین کند. با توجه به نزدیکی‌ای که حکومت اخوان مصر با پیشینه اخوانی رهبران حزب عدالت و توسعه داشت، این موضوع توجیه‌پذیر بود. اما با روند تحولات

نوینی که در مصر اتفاق افتاده است، به نظر می‌رسد که سخن گفتن از الگوی ترکیه دیگر چندان محلی از اعراب ندارد. نظر شما در این باره چیست؟

آقای علیرضا بیگدلی: به نظر من، حتی آن موقع هم بحث الگوی ترکیه، بیشتر یا از طرف خود ترک‌ها مطرح می‌شد یا جنبه تعارف داشت. بالاخره، ما دیپلمات هستیم، وقتی که مذاکره می‌کنیم، می‌دانیم که تعارفاتی این گونه نیز وجود دارد. در واقع، از زمانی که طرح نوعثمانیسم در ترکیه مطرح شد، این بحث که عرب‌ها اساساً از عثمانی‌گرایی خاطره خوبی ندارند و در مقابل این جریان به ویژه ملی‌گرایی عربی خواهد ایستاد، یک امر واضحی بود. آنها الگو برای چه کسانی خواهند شد؟ اما این موضوع وجود داشته است. در سفری که اردوغان به مصر و پس از آن به تونس داشت، خود ایشان بحث سکولاریسم را مورد تایید و تاکید قرار داد؛ چون آنها می‌خواستند الگو بدهند، الگویشان همین بود. به نظر من بحث الگو در کشور ما چون یک حس رقابتی نسبت به آن وجود داشت، این بیشتر در کشور ما حساسیت ایجاد کرد و به آن پرداختند تا شاید در خود کشورهای عربی.

سؤال: سؤال من در میان بیشتر ژورنالیست‌ها به ویژه پس از تحولات بهار عربی مطرح است. به نظر می‌رسد که به واسطه فقدان یک سیاست خارجی مدون در دستگاه دیپلماسی ترک‌ها، اردوغان قادر است که تمام آبروی دستگاه دیپلماسی ترک‌ها را خرج محمد مرسی کند که از قدرت کنار رفته است و هیچ امیدی هم برای بازگشت او وجود ندارد. علی‌رغم این مساله، اردوغان از مرسی و عملکرد ایشان دفاع می‌کند. مساله دیگر در ارتباط با سوریه است؛ خیز بلندی است که ترک‌ها در سقوط اسد برداشتند؛ حتی همکاری با ناتو برای احتمالاً ایجاد یک منطقه پرواز ممنوع یا چیزی شبیه به این که در نهایت، در ترکیه فروکش می‌کند. آیا دستگاه دیپلماسی ترکیه قادر به تجزیه و تحلیل مسائل سوریه و مصر نیست که این چنین بی‌برنامه بودن عظیمی را در دستگاه دیپلماسی ترک‌ها شاهد آن هستیم؟

آقای علیرضا بیگدلی: من در صحبت‌هایم اشاره کردم که اردوغان و داووداوغلو و کسانی که در حزب عدالت و توسعه تاکنون از سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه و مصر حمایت کرده‌اند، از چند زاویه به این نقطه می‌رسند که برای آنها این یک بازی همه یا هیچ است، یا می‌برند یا ساقط می‌شوند. یا نباید وارد می‌شدند یا اگر وارد شدند تا آخر خط را باید بروند. این طور نیست که نتوانند تجزیه و تحلیل کنند. همان طور که گفتم، از لحاظ ژئوپلیتیک معتقدند که این مسیر، مسیری حیاتی برای آنها است. الان به عنوان مثال نگاه کنید به بحث ترانزیت؛ نکته جالبی است. اگر یک کامیون ترک تصمیم بگیرد که باری را به شمال آفریقا ببرد، این زمینی می‌آمد به سوریه،

به اردن می‌رفت، بالاخره از مسیر اردن به سمت مصر و سینا می‌رفت و وارد آفریقا می‌شد. حالا اگر سوریه به آن راه نمی‌داد، از طریق دریا، می‌بایست فرضاً با هزینه‌های چند برابر، این را تا سمت مصر ببرد. ولی دوباره می‌بینید که مصر آن را قبول نمی‌کند. بالاخره، [ژئوپلیتیک سوریه] بر اقتصاد و تجارت آن با آفریقا، یا با جهان اسلام یا با جهان عرب دارد تاثیر می‌گذارد؛ یعنی پیچیدگی‌هایی این گونه دارد که آنها حس می‌کنند که این را باید تا آخر بروند. ما هم به عنوان جمهوری اسلامی ایران، بارها به آنها گفته‌ایم که بالاخره راه برگشت بسته نیست. ما نیز حاضریم به شما کمک کنیم. چون ما هم داریم منافع خودمان را از دو زاویه از دست می‌دهیم. اول اینکه بالاخره، در روابطمان با ترکیه داریم چالش ایجاد می‌کنیم. دوست نداریم که چالش باشد. دوم هم اینکه ادامه تحولات سوریه برای ما هزینه دارد. ما دلمان می‌خواهد که سوریه هرچه زودتر به ثبات و آرامش برسد که دوباره به نفع ما است. بنابراین، اگر ما بتوانیم تلاش کنیم که ترکیه را متقاعد کنیم که برگردد و راه برگشت برای آن بسته نیست، شاید خودمان هم امتیاز زیادی را بتوانیم بگیریم. ولی آنها در این باره برای خودشان نفعی نمی‌بینند. به نظر من نوع موضع‌گیری‌های مخالفان دولت ترکیه نیز باعث می‌شود که حاکمیت نتواند برگردد. به عنوان مثال، حزب جمهوری خواه خلق سرسختانه به دنبال این است که ثابت کند که دولت ترکیه در سوریه اشتباه کرده است. دعوای حزبی در ترکیه بسیار جدی است. دولت وقتی که می‌خواهد از موضع خود نسبت به سوریه برگردد، یکی از ملاحظاتش این است که اگر ما برگردیم حزب جمهوری خواه می‌گوید که «دیدید سه سال است که سرمایه‌ها و سرنوشت این مملکت را با تهدید و خطر و ... مواجه کردند، حالا رسیدند به آنجایی که ما سه سال پیش به آنجا رسیدیم». ما یکی از توصیه‌هایی که به آنها می‌کنیم، این است که برای اینکه مشکل سوریه حل شود و خونریزی تمام شود، شما کمی کوتاه بیایید؛ یعنی مسائل اینجوری هم در کار، بعضاً وارد می‌شود. من فکر می‌کنم که آنها تحلیل می‌کنند، متوجه هم می‌شوند. اما گاهی اوقات است که شما به هر حال، تصمیم می‌گیرید که این راه را یک جوری به پایان برسانید. به خاطر همین هم هرچه بحث [بحران سوریه] طولانی‌تر می‌شود، احتمال اینکه آنها یک روزی برگردند، وجود دارد. ما امیدمان این است، ما خودمان داریم دائماً با مقامات ترکیه تماس می‌گیریم. ما حاضریم کمک کنیم، حاضریم که با یکدیگر مساله را حل کنیم. بحث دیگر این است که بالاخره شرایط به گونه‌ای بشود که خودشان به یک جمع‌بندی برسند که شاید این موضوع، عامل شکست آنها در انتخابات بشود.

دکتر کیهان برزگر: من سؤالی درباره دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی ترکیه دارم. برخی علاقمند

هستند که به خارج از کشور بروند و تحصیل کنند. یقیناً شما که در این مدت آنجا تشریف داشته‌اید، وضعیت

دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی ترکیه را بررسی کرده‌اید. به خاطر می‌آورم که سفیر ترکیه که به اینجا آمدند، پس از آن یک یادداشت فرستادند که اگر ممکن است این موسسه با دانشگاهی در قبرس ترکیه وارد همکاری شود و تبادل دانشجو انجام دهند. آیا این امکان وجود دارد که دانشگاه‌های ترکیه فضایی را برای پذیرش دانشجویان ایرانی فراهم کنند؟ اصلاً وضعیت کیفی پژوهشی آنها چگونه است؟ شما چشمانداز تبادل دانشجو را چگونه می‌بینید و ما در چه وضعیتی قرار داریم؟ این موضوع در تعامل ایران و ترکیه چه اندازه می‌تواند نقش داشته باشد؟

آقای علیرضا بیگدلی: دانشگاه‌های ترکیه برای دانشجویان ایرانی، دانشگاه‌هایی جذاب است. به دلیل توانمندی‌هایی که آنها در ورود به رتبه‌بندی‌های جهانی دارند. البته، در نهایت خود دانشجویان، اساتید و اهل فن باید ارزیابی کنند. بالاخره در رتبه‌بندی‌ها توانسته‌اند جایگاه خوبی را برای خود تعریف کنند. چه دانشگاه‌های خصوصی ترکیه، چه دانشگاه‌های دولتی ترکیه جذاب شده‌اند، به ویژه برای دوره‌های دکتری. بسیاری از دانشجویان ما به آنجا دارند می‌روند تا دکتری بخوانند، فقط در شهر ارزروم، ما بیش از ۵۰۰ دانشجوی دکتری داریم. دانشگاه آتاتورک، یک دانشگاه مرزی است و شاید در خود ترکیه یک دانشگاه درجه ۳ محسوب می‌شود، ولی الان ما بیش از ۵۰۰ دانشجوی دوره دکتری در این دانشگاه داریم. این دانشجویان از مناطق مرزی طراحی می‌کنند که به عنوان مثال، آخر هفته‌ها به این دانشگاه برای تحصیل بروند. اما در رابطه با بحث قبرس که شما اشاره کردید، ترک‌ها بسیار علاقه دارند که نه تنها ارتباط ما، بلکه ارتباطات دنیا را با قبرس ترک یا قبرس شمالی تقویت کنند. دلیل آن این است که اولاً، می‌خواهند تا قبرس سرپا بماند، قبرس مناسبات و ارتباطات گسترده‌ای به عنوان یک کشور داشته باشد و همین طور بار هزینه آن کمی از دوش آنها کم شود. الان ترک‌ها تقریباً تمام هزینه را دارند می‌دهند. با این وجود بعد از ترکیه که شاید نزدیک به ۴۰۰۰-۳۰۰۰ دانشجو در قبرس ترک دارد ما دومین کشوری هستیم که نزدیک به ۱۲۰۰ دانشجو در قبرس ترک داریم. اما در زمینه گسترش همکاری‌های علمی به نظر من، آنها سیاست فعال‌تری از ما دارند. شاید یک بخشی از آن برمی‌گردد به طرح‌هایی که با اتحادیه اروپا دارند؛ طرح‌هایی در حوزه مثلاً جذب دانشجوی خارجی، طرح اراسموس و دیگر طرح‌های معروف و کمک هزینه‌هایی که می‌گیرند که براساس آن موظف هستند که بورسیه بدهند؛ یعنی دانشجویان خارجی را در کنار دانشجویان خودشان بنشانند، هم سطح علمی دانشگاهشان را افزایش دهند و هم رقابت، همفکری، تعامل و شناخت متقابل ایجاد کنند. سال گذشته، سفارت ترکیه ۶۵ بورسیه داد. امسال، ۶۲ بورسیه داده است که این بورسیه‌ها از طریق اینترنت، ثبت نام و مصاحبه انجام

می‌شود. البته، آنها بیشتر در رشته‌های فنی - مهندسی بورسیه می‌دهند. من کمتر دیده‌ام که در رشته‌های علوم انسانی باشد.

دکتر کیهان برزگر: همان طور که شما هم اعتقاد دارید من فکر می‌کنم که آینده تبادل دانشجو در فرهنگ سازی و تصور مثبتی که در نسل‌های مختلف درباره روابط خارجی ایجاد می‌شود، بسیار موثر است. هرچقدر بیشتر، بهتر است. معمولا هم بهترین نوع ارتباط، همین نوع ارتباط است. چقدر خوب که دانشجوی ترک به ایران بیاید، زبان فارسی یاد بگیرد تا بتواند روزنامه‌های ایرانی را بخواند و فرهنگ را به صورت وجودی یاد بگیرد؛ کما اینکه آنها این عمل را انجام می‌دهند. البته، چه خوب که ما هم این امکانات را داشته باشیم تا تحلیل مستقلی از یک کشور داشته باشیم، نه اینکه از منابع خارجی یا غربی ترجمه کنیم. خود این مساله روی تفکر ما تاثیر می‌گذارد که آن آسیب‌های خاص خودش را به همراه دارد.

آقای علیرضا بیگدلی: من در اینجا، به نکته‌ای دیگر اشاره می‌کنم. ما در ترکیه پول می‌گیریم، ثبت نام می‌کنیم و فارسی آموزش می‌دهیم. این شاید جزء معدود کشورهای دنیا باشد که دانشجو علاقه داشته باشد که پول بدهد و فارسی یاد بگیرد. حدود ۱۵۰ نفر دانشجوی زبان فارسی داریم که آنها وقتی که به مولانا و تاریخ گذشته خودشان می‌رسند، به زبان فارسی به شدت علاقمند می‌شوند. متقابلا موسسه فرهنگی ترک‌ها بیشترین تعداد دانشجوی زبان ترکی را در کشور ما دارد. البته، حدود ۷۰۰ نفر یا بیشتر از این ظرفیت ندارد. چون دانشجویها علاقمند هستند که به ترکیه بروند، الان ۷۰۰ دانشجو در تهران دارد. آنها هم ثبت نام می‌کنند، پول می‌دهند و به موسسه می‌روند. به هر حال تعاملاتی این گونه وجود دارد.

سؤال: من خودم پارسال در دانشگاه ساکارا ترکیه بودم، دیدم که خیلی جدی به مساله آموزش می‌پردازند. ترکیه قبلا به دانشجویان ترک زبان ما تسهیلاتی می‌داد که به طور رایگان در آنجا تحصیل کنند. البته، من فکر می‌کنم که این برنامه دیگر وجود ندارد. به نظر شما این موضوع در راستای گسترش ایده پان ترکیسم بود یا نه؟ در واقع، انگیزه دولت ترکیه که نه به همه ایرانیان، بلکه فقط به ایرانیان ترک‌زبان تسهیلات می‌داد، چیست؟

ارزیابی من هم این است که سیاست‌های داووداوغلو در قبال خاورمیانه شکست خورده است و عمق استراتژیک ایشان چندان هم عمقی ندارد. با توجه به اینکه پای القاعده را در سوریه باز کرده است و سوریه را تا مرز تجزیه پیش برده است. به هر حال، در ابتدا با یک ذوق زدگی کودکانه وارد قضیه شد و فکر کرد که بشار اسد

مثل مبارک بیست روزه سقوط می‌کند. همین طور، در سیاست داخلی مشکلاتی دارد. پیش‌بینی شما چیست؟ آیا حزب عدالت و توسعه ممکن است دوباره به قدرت رسد و رای مردم را با توجه به بافت اجتماعی ترکیه به دست آورد؟ در عین حال، برای دولت میانه‌رو جمهوری اسلامی ایران، در قدرت بودن کدام حزب منافع ملی ایران را بهتر می‌تواند تامین کند؟ حزب جمهوری‌خواه یا حزب عدالت و توسعه؟

سؤال: من قصد دارم که کمی تحولات جدید ایران را به اوضاع و احوال متحول ترکیه مرتبط کنم. این نقطه پیوند، به نظر من سیاست مشکل صفر ترکیه، بحث‌های صلح‌سازی و میانجی‌گری ترکیه است. به عنوان مثال میانجی‌گری ترکیه میان سوریه و اسرائیل، بحث پرونده هسته ای ایران و به طور کلی مانورهایی که در منطقه می‌داد. الان، بعد از تحولات بیداری اسلامی و تحولات دنیای عرب که در آن موقعیت منطقه‌ای ترکیه به نحوی افول کرده است، این بحث‌ها تا حدی با توجه به رویکرد سیاست خارجی ترکیه معنای خود را از دست داده است. از سوی دیگر، تحولاتی در ایران شکل گرفته است که به نوعی تا حدی قدرت نرم ایران در منطقه رو به افزایش است. فکر می‌کنید که این تصویری که در حال حاضر، در ایران دارد شکل می‌گیرد که ما می‌توانیم آن نقش قبلی ترکیه را ایفا کنیم و حتی این بحث در سطح محافل تصمیم‌گیری ما به نحوی مطرح است، قابلیت تحقق دارد؟ تا جایی که وزیر امور خارجه‌مان نیز این بحث را مطرح کرد که ما می‌توانیم جایگاه خودمان را به عنوان بازیگر ارتباطی در منطقه بالا ببریم. آیا تجربه ترکیه می‌تواند برای ما در اینجا کمک کننده باشد یا اصلا با توجه به اوضاع و احوالی که وجود دارد، می‌توان این بحث را خیلی ارتباط داد؟

دکتر کیهان برزگر: من این نکته را هم اضافه کنم که در این قضایای اخیر که آمریکا و روسیه درباره سوریه به توافق رسیدند و نقش ایران هم در این میان، افزایش پیدا کرد، هیچ جایی از ترکیه، عربستان و قطر مشاهده نمی‌شود؛ یعنی چه تحولی اتفاق افتاده که یک دفعه، تحولات به آن طرف رفت؟ آیا این نشان از وزن کشورها در تاثیرگذاری‌شان در مسائل خاورمیانه نیست که در اینجا، جایگاه ترکیه را از لحاظ سیاسی تا حدی مشخص می‌کند؟ چون کماکان به هر حال، ترکیه یک کشور قدرتمند محسوب می‌شود؛ جمعیت، اندازه و یک اقتصاد قوی دارد و کشوری است که به شدت، در حال توسعه است. از جمله ملت‌هایی مثل ملت ایران است که رو به پیشرفت است. ممکن است که برخی ملت‌ها زیاد رو به پیشرفت نباشند. اما اگر شما به ترکیه بروید، می‌بینید که دائما در حال ساخت و ساز هستند. به عنوان مثال، فرودگاه سوم استانبول دارد ساخته می‌شود علی‌رغم اینکه ترافیک هست. در واقع، شما هیجان عمومی را درباره ساخت و ساز و پیشرفت به جلو می‌بینید. اما در حوزه سیاسی،

الان به نظر می‌رسد که تاحدی دچار تغییر و تحول شده است. البته، ما نباید خوشحال باشیم که این اتفاق بیفتد؛ یعنی نباید به صورت حاصل جمع صفر ببینیم که چون نقش ترکیه دارد ضعیف می‌شود، ما خوشحال باشیم. به هر حال، یک ترکیه قدرتمند می‌تواند به نفع ما نیز باشد.

آقای علیرضا بیگدلی: در ارتباط با بحث شکست عمق استراتژیک، من فکر می‌کنم که آنها دارند تلاش می‌کنند تا در سوریه این عمق را برای خودشان ایجاد کنند. همان طور که اشاره کردم، یکی از دلایل اینکه در بحث سوریه شاید از منظر ما تاحدی غیرمنطقی و احساسی رفتار می‌کنند، همین بحث است که فضایی که الان برای خودشان متصور هستند، فضایی است که از مسیر سوریه می‌گذرد.

در ارتباط با دادن بورسیه به دانشجویان آذری زبان ما، من فکر می‌کنم که این کار همین الان هم دارد انجام می‌شود و آنها یک نهادی را به اسم TÜRKSOY ایجاد کرده‌اند تا به کسانی که پیوندهای قومی و ترکی را با آنها دارند، امتیازهایی دهند. آنها برای همه کسانی که در جاهای مختلف هستند، در قفقاز، آسیای مرکزی، اروپا، چین، روسیه و ایران تسهیلات را فراهم کرده‌اند. در واقع، به عنوان یک نقطه قوتی برای سیاست خود، می‌خواهند که از این فرصت‌ها استفاده کنند. به عنوان مثال اگر دانشجویی در TÜRKSOY ثبت نام کند، می‌تواند از فرصت‌ها و مزیت‌ها استفاده کند. الان هم این برنامه وجود دارد.

درباره اینکه حزب عدالت و توسعه در قدرت باقی می‌ماند یا نمی‌ماند، برخی از دوستان من اعتقاد دارند که اگر همین الان، انتخابات برگزار شود، به احتمال زیاد حزب عدالت و توسعه می‌تواند کماکمان برنده شود. برنده شدن یعنی اینکه بدون ائتلاف بتواند مجلس را به دست گیرد. اما عواملی وجود دارند که اگر در شش ماه دیگر اتفاق افتند، ممکن است که تاثیر بگذارند. عنصر کردی، عنصر بسیار مهمی است. کردها در روند تحولات یکی - دو سال اخیر از اینکه اردوغان به عنوان یک شخصیتی که می‌تواند "راسا" راجع به مساله کردی تصمیم بگیرد و اصلاحات کردی را به سرانجام برساند، بسیار امیدوار بودند. به همین خاطر، در انتخابات معمولاً کنار حزب عدالت و توسعه بودند و به آن رای می‌دادند. اما اینکه آن روندی که تحت عنوان «روند راه‌حل» اسم آن را گذاشته‌اند، به کجا می‌رسد، در نوع موضع‌گیری کردها نسبت به مساله انتخابات خیلی می‌تواند موثر باشد. بحث دیگر، بحث علوی‌ها است. علوی‌ها یکی از پدیده‌هایی هستند که بالاخره همیشه در ترکیه بوده‌اند. اما بحث سوریه آنها را دچار خودبیداری کرد. در واقع، آگاهی‌هایی پیدا کردند، مطالباتی را دارند مطرح می‌کنند که صد در صد بومی است؛ یعنی هیچ ربطی به ایران ندارد. متأسفانه بعضاً این مساله را در ترکیه مطرح می‌کنند که شاید چون ۱۰۰ نفر به ایران

رفتند یا ۲۰۰ نفر به مشهد رفتند، این اتفاق افتاده است. درحالی که خودشان هم احتمالا این را می‌دانند که تحولاتی که در سوریه اتفاق افتاد، یکی از آثارش این بود که علوی‌های ترکیه متوجه شدند که بالاخره گروهی هستند که می‌توانند مقاومت کنند و مورد تهاجم دولت ترکیه هستند. آنها تعجب کردند که ما چرا باید مورد تهاجم باشیم و در واقع، سؤالاتی برای آنها مطرح شد. سه سال است که آنها دارند با این سؤالات دست و پنجه نرم می‌کنند. آنها مسائلی را دارند مطرح می‌کنند که به نظر من ابعاد جدیدی در حوزه اجتماعی علوی‌ها می‌باشد که تاثیرگذار در انتخابات نیز است. اینکه با این حوزه دولت ترکیه چه انجام خواهد داد، چه میزان با آنها تعامل خواهد داشت، چه میزان با آنها برخورد خواهد کرد و چه میزان آنها را ناراضی یا ناراضی خواهد کرد در انتخابات می‌تواند موثر باشد.

عنصر اقتصاد فوق العاده مهم است. اقتصاد ترکیه شیب نزولی دارد. اگرچه آنها نمی‌خواهند بپذیرند. علت آن هم مشخص است. ما تجربه‌اش را در ایران خودمان داریم. کسانی که در راس اقتصاد هستند، عنصر روانی را در سرعت گرفتن شیب نزول فوق العاده موثر می‌دانند. این است که هیچ کس حاضر نیست که زیر بار رود که الان در این مقطع، ما متاسفانه دچار مشکل شده‌ایم و داریم به پایین می‌آییم. همه می‌بینند ولی آنها می‌گویند که «اصلا هیچ مشکلی نیست. کسانی که این حرف‌ها را می‌زنند، مشکل دارند، عمد دارند». در حالی که این مساله دارد بر زندگی مردم تاثیر منفی می‌گذارد و یکی از دلایلی که در انتخابات‌های گذشته، مردم ترکیه از حزب عدالت و توسعه حمایت کردند، همین بحث بود که جیبشان نسبتا پُر شده بود، کارتهای اعتباری‌شان کار می‌کرد، وام‌ها به خوبی به آنها پرداخت می‌شد و همچنین، مجموعه عوامل دیگری که من فکر می‌کنم که باید راجع به آنها بعدا کارشناسی‌تر بحث شود، این عوامل می‌توانند در پیروزی قاطعانه حزب عدالت و توسعه تاثیر بگذارند.

ما کماکان فکر می‌کنیم که در قدرت ماندن حزب عدالت و توسعه، اگر بتوانیم مشکل‌مان را با همدیگر در سوریه حل کنیم نه تنها خوب است، بلکه خوب‌تر نیز می‌شود؛ یعنی یک مشکلی داریم که اگر بتوانیم برای مشکل مان یک راه‌حل برای آن پیدا کنیم بسیار خوب خواهد بود. ما امیدوار هستیم و داریم تلاش می‌کنیم. یکی از دلایل سفرم به ایران این بود که به عنوان مثال، بتوانیم با مقامات خودمان رایزنی کنیم که از فرصت دیدار مقامات مان در نیویورک یا جاهای دیگر استفاده کنیم و بتوانیم همراه با ترک‌ها یک راه‌حلی را پیدا کنیم. اگر بتوانیم یک راه‌حلی برای خروج از این اختلاف نظر پیدا کنیم، در درجه بعدی، اگر بتوانیم برای یکی از مشکلات منطقه خودمان راه‌حل مشترک بدهیم، این امر یک نقطه قوت سیاسی برای ما است و به نقاط قوت ما که آقای دکتر برزگر هم اشاره

کردند، اضافه می‌شود. بنابراین، ما کماکان فکر می‌کنیم که نزدیک‌ترین حزبی که می‌تواند برای منافع ما آثار مثبتی داشته باشد، حزب «عدالت و توسعه» است در میان احزابی که الان وجود دارند.

در ارتباط با قدرت نرم ترکیه و نقشی که ترک‌ها داشتند، باید گفت که اگر شما کتاب آقای داووداوغلو را نگاه کنید در آنجا او یک فرمول بسیار مشخصی دارد که فرمول قدرت است و از نظریه‌های رئالیستی اخذ شده است. یک جاهایی وجود دارد که شما نگاه می‌کنید که "عنصر سخت" وارد می‌شود که ضریب کمی به آن داده است. اما به هر حال، در محاسبه کلی موثر است. من تصورم این است که ترکیه نمی‌تواند هزینه لازم را برای اقتدار خودش در منطقه بپردازد؛ یعنی از لحاظ اقتصادی و نظامی این ظرفیت را ندارد و از لحاظ ساختار اجتماعی نیز این آمادگی را ندارد؛ یعنی نمی‌تواند به عنوان یک کشوری که به هر حال درک منسجمی از هویت ملی ترکی دارد، به عنوان مثال بگوید که امروز تصمیم گرفته‌ایم که با سوریه بجنگیم. ترک‌ها، علوی‌ها و احزاب از او سؤال می‌کنند که برای چه باید برویم؟ این یکی از ویژگی‌هایی است که در ارتباط با ترکیه، ما باید به آن دقت کنیم. در بحث دیپلماسی، شما عنصر اقتصاد، نظامی‌گری، امنیت و تا حدودی رسانه این عناصر را به نظر من باید کنار بگذاریم. اگر در دیپلماسی با تلفن کردن، با سفر کردن و یا با مصاحبه کردن یک بزرگی حاصل بشود ترکیه می‌تواند این کار را بکند، کما اینکه داووداوغلو این کار را کرده است. شما می‌بینید که در هرجایی که منفعتی برای ترکیه در سال‌های اخیر حاصل شده است، از همین گفتگوها بوده است مثل موضوع برنامه هسته ای ایران.

موضوع دیگر، بحث عربستان و ترکیه است. تصور ما این بود که ائتلاف و اتحاد صرفا برای مقابله با شخص بشار اسد است؛ یعنی آنها یک نقطه مشترکی پیدا کرده بودند که جمع شدند. اما در همان زمان هم ما تعجب می‌کردیم که واقعا ترکیه و عربستان در یک جا با یکدیگر جمع نمی‌شوند. به هر حال به هر دلیلی، به دلیل اعتقادات دینی بخواهیم بگوییم یا رویکردهای سیاسی، آنها با یکدیگر متفاوت بودند. اولین اتفاقی که افتاد این بود که در بحث اخوان آنها با یکدیگر اختلاف نظر پیدا کردند. گرایشات اخوانی اردوغان را عرب‌ها بسیار تند و بعضا بی‌ادبانه با آن برخورد کردند. سرمقاله‌هایی که رسانه‌های مهم عربی نوشتند، به نظر من، برای آنها تمام کننده بود. به گونه‌ای که پاسخ آنها را خود اردوغان داد و خودش گلایه‌ها را مستقیما بیان کردند.

در ارتباط با حوزه سیاسی و اقتصادی باید گفت که ترکیه در همان بحث حوزه سیاست خارجی‌اش، "دیپلماسی" است که می‌تواند تحولی را ایجاد کند. در واقع، شما بدانید که سقف پرش دیپلماسی در سیاست

خارجی همیشه محدود است. شما نمی‌توانید بگویید که با دیپلماسی، من کل سیاست خارجی را زیر و رو می‌کنم. این محدودیتی است که ترک‌ها هم قطعا از آن رنج خواهند برد و به نظر من، آنها را هم محدود خواهد کرد.

دکتر کیهان برزگر: خیلی ممنون. به نظر من، نکات بسیار خوبی را مطرح کردید. فکر می‌کنم که این به دلیل ویژگی پژوهشی شما است. به هر حال، شما مسوول پژوهشی بودید. خود من که نکات بسیار خوبی را یاد گرفتم و دوستان دیگر هم همین طور. اگر اجازه بدهید ما الان بحث را تمام کنیم. در پایان، ما معمولا عکس می‌گیریم که حضور و خاطره شما در اینجا ثبت شود. هدیه کوچکی نیز از طرف مرکز و تمامی دوستان تقدیم شما می‌شود. بسیار ممنون از اینکه تشریف آوردید.

گزارش کامل: فهمیه قربانی پژوهشگر در پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه